

مقدمه

” خودپنداری “ یا مفهوم از خود هنگام تولد آغاز می شود و در دوران رشد و مراحل آن شکل می گیرد. اینکه کودک سرانجام چگونه احساسی درباره خود پیدامی کند، نتیجه تماس ها و تجربه های مختلف او با دیگر محیط است. اگر بیشتر این تماس ها و تجربه ها مطلوب باشند، کودک احساس خوبی درباره خود پیدا می کند. اگر کودک مورد محبت قرار گیرد و از او مراقبت به عمل آید و محیطی محرک و برانگیزاننده برایش تدارک دیده شود و نیز اگر مورد غفلت قرار نگیرد و یا بیش از حد تنها گذاشته نشود، سرزنش نشود و با خشونت و سختی محدود نگردد، بی تردید شروع به رشد می کند اگر چنانچه، مجموعه ای از پاسخ های منفی را از دیگران و محیطش در خود ذخیره نماید، به این باور خواهد رسید که اشکالی در او وجود دارد و ممکن است تصویری نادرست و ناپایدار از خود پیدا کند و به قابلیت ها و استعداد های خود به دیده تردید بنگرد.

با این مقدمه می توان نگرش ها و باورهای درست و نادرست را در مورد یک نظام، یک ویژگی و یک عملکرد به وجود آورد. واقعیتی مستند است که آموزش و پرورش پیش از دبستان در جامعه ما از زمان رویش و در طول دوره حیاتش تصویری مخدوش و مظلوم از خود پیدا کرده است و متأسفانه هنوز به جایگاه و منزلت واقعی خود - به رغم کارآیی بسیار خوب این دوره از آموزش ها - دست نیافته است. اولیت ندادن به آموزش های پایه و استفاده نکردن از عملکرد و قابلیت های این سطح از آموزش ها به عنوان درون دادی حساس در پردازش اطلاعات و نتایج عملکرد دوره دبستانی و سطوح بالاتر، تصویری مبهم و ناپایدار از موقعیت و جایگاه آن در جامعه آموزشی و نیز خانواده ها پدید آورده است.

و پذیرش و نیز ضرورت و اهمیت آن دوره طولانی طفولیت، دوره کودکی و دوره کوتاه نوجوانی را در بسیاری از کشورها پشت سر گذاشته است. این دوره از آموزش‌ها - با نگاه تطبیقی و مقایسه‌ای در بسیاری از کشورها - اکنون به مرحله بلوغ و پختگی رسیده است. (مل هویس، ادوارد و پیترماس، ۱۹۹۱)

ماهرگز تا قبل از این دوره در تاریخ آموزش و پرورش، به اندازه زمان حال، درباره فرآیند یادگیری و چگونگی رشد و تحول و اکتساب دانش درباره کودکان اطلاع کسب نکرده ایم.

اکنون آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان نه لزوماً به دلیل یک واقعه یا رویدادی خاص، بلکه به علت واقع گرایی، بینش و بصیرت و تلاش و کار بسیاری از افراد در آستانه پختگی است. اگر با توجه به منابع معتبر، از افلاطون (۳۴۷-۴۲۷ قبل از میلاد مسیح) و ارسطو (۳۲۲-۳۹۴ قبل از میلاد مسیح) که آغاز و نقطه شکفتن آموزش‌های اولیه را از هنگام تولد دانسته اند غافل نمائیم (سیفلد و باربور، ۱۹۸۶)، باید بپذیریم که جان آموس کمنیوس، ژان ژاک روسو، پستالوزی، فروبل، ماریامونته سوری، پیازه و محققان کنونی جوامع مختلف و نیز جامعه علمی و فرهنگی ما به برکت اندیشه‌ها و اعتقادهای خردمندانه خود و از همه مهم تر بدون شتابزدگی به هویت واقعی این دوره از آموزش‌ها و نتایج اثر بخش آن بر سرنوشت تربیتی کودکان کمک کرده اند (مفیدی، ۱۳۷۲).

از اوایل سالهای ۱۹۰۰ - یعنی در حدود ۹۵ سال - آموزش و پرورش پیش از دبستان بخشی از زندگی و ساختار عمومی و اساسی آموزش و پرورش بسیاری از کشورهاست (سیفلد و باداور، ص ۱۱، کاترون و آلن، ۱۹۹۳).

آموزشی خوب ما، این دوره از آموزش ها هنوز در جست و جو و تکاپوی خود- آگاهی است. این گرایش حتی در دانشگاههای ما نیز شکل گرفته ولی هنوز به عنوان رویکردی هماهنگ و یا برنامه ای منسجم و مدون برای مراقبت و آموزش و پرورش کودکان تدارک دیده نشده است. هنوز هم آموزش و پرورش در این سطح به مفهومی از خود و پنداره ای صحیح و مثبت دست نیافته است و به عنوان رشته و حوزه ای تخصصی که به کودکان از هنگام تولد تا هشت و نه سالگی خدمت می کند- به علت سطحی نگری ها و جایگزینی های نادرست شغلی و نیز به دلیل کمبود اطلاعات و پیامدهای برگرفته از این دوره - در کارآیی دوره های بعدی، احساس هویت و شایستگی نمی کند.

سؤال این است که نگاه ما به این دوره از آموزش ها و فرآیند تربیت در این دوره چگونه است؟

- آیا آن را دوره ای گذرا- چه باشد و چه نباشد - و یا حتی لزوم آن را برای همه از کودکان محروم و دوزبانه گرفته تا کودکان مرفه جامعه، یکسان می دانیم؟
- آیا این دوره را پیش نیاز و اساس تربیت های بعدی می دانیم؟
- آیا آن را به صورت پلکان اول و پایدارترین پله در نردبان ترقی و پیشرفت های بعدی می دانیم؟
- آیا آن را دوره ای حساس و سرنوشت ساز از زندگی یک انسان می دانیم؟
- آیا به تأخیرها و غفلت ها در مورد آموزش های این دوره، با نگاه مسؤولانه ای می نگریم؟

مفهوم آموزش و پرورش به نحوی که هر کودک به اندازه توانایی و ظرفیتش آموزش ببیند سابقه چندان طولانی در جهان امروز ندارد کلمه کودکان و آموزش و پرورش در امر توجه و نگرش به تفاوت‌های فردی

به لحاظ ویژگی انسان و تفاوت‌های فردی (تفاوت بین فرد و دیگران و تفاوت بین استعداد‌های مختلف یک فرد) چنان به نظرمی رسد که می‌بایست هر فرد به فراخور توان ذهنی و جسمی نیازها استعدادها و علائق خود از آموزش و پرورش خاصی بهره‌گیرد به عبارت دیگر در صورت امکان حتی المقدور آموزش انفرادی مؤثرترین و مطلوب‌ترین شیوه‌های آموزش و پرورش خواهد بود و از این نظر آموزش عمومی و همگانی دانش آموز در مدارس بدون توجه و کمک و راهنمایی و ارشاد اولیاء و فعالیت‌های فوق برنامه عادی نمی‌تواند به تنهایی پاسخگوی تمامی نیازهای مختلف دانش آموزان در شکوفایی و به کمال رسانیدن استعداد‌های او باشد.

مقدار و نوع آموزش و پرورش ویژه ای که کودک استثنایی بدان نیاز دارد بستگی به عوامل متعددی از جمله درجه میزان و چگونگی تفاوتی که کودک با دیگر کودکان همسال خود در توانایی‌ها و استعدادها و رشد طبیعی دارد. هر چند میزان تفاوت و اختلاف در رشد و تواناییها بیشتر باشد نیاز به آموزش و پرورش استثنایی بیشتر خواهد بود عدم تعامل و هماهنگی بین جنبه‌های مختلف رشد درخور کودک و همچنین تأثیری که ویژگی ذهنی یا جسمی کودک به جنبه‌های مختلف رشد و کارآیی و بروز استعداد‌های وی می‌گذارد از عوامل بسیار مهمی است در تعیین چگونگی برنامه‌های آموزش و پرورش پیش از دبستان.

از تولد تا هجده ماهگی: زندگی نوزاد در خوردن و خوابیدن خلاصه می شود به همین جهت اگر خوراک مناسب و کافی به نوزاد برسد و از سرما و گرمای زیاد در امان باشد خود بخود رشد می کند یعنی آزادانه فعالیت می کند و از این طریق اندامهای خود را می ورزد و بتدریج در بکار بردن آنها مهارت کسب می کند.

در معرض تحریکات محیط قرار می گیرد و نسبت به آنها واکنش نشان می دهد. واکنش های نامناسب را رها می کند و واکنش های سودمند را تکرار می کند. در این مرحله تنظیم محیط بنحوی که فعالیت آزاد نوزادان را تسهیل کند و او را خطرات مثلاً زخمی شدن حفظ کند کافی است.

از هجده ماهگی تا چهار سالگی: از حدود هجده ماهگی کودک به مرحله ای می رسد که می تواند به تدریج حرف زدن را یاد بگیرد یعنی از اعلام قراردادی برای بیان مقاصد خود استفاده کند. یادگیری زبان مادری امری پیچیده و تدریجی است ولی آشنایی مرحله است از چهار تا شش سالگی مؤلف کتاب روش فعال در کودکان می نویسد هدف کودکان منحصر آ تربیت است نه تعلیم کودکان باید محلی پر نشاط و پرفعال و از لحاظ فرصت برای تجربیات متنوع و تحقیق هدفهای زیر غنی باشد.

۱- پرورش عادات مفید: در کودک به منظور تأمین تندرستی و ایجاد مهارتهایی که برای تطبیق شخص با محیط لازم است.

۲- پرورش رفتار اجتماعی مطلوب و تشویق کودکان به شرکت در گروهها و دسته هایی که موجب آگاهی از حقوق است.

۴- کمک به بروز و پرورش استعداد های فطری کودک .

۵- ایجاد حس اعتماد به نفس و امنیت فاطر در کودک .

۶- متوجه ساختن کودک به دنیایی که او را فرامی گیرد .

۷- تشویق حس استقلال طلبی و خلاقیت کودک .

۸- پرورش حس زیبایی شناسی در کودک .

وظایف و هدف های آموزشی و آمادگی برای یادگیری :

۱- کمک به کودک برای یادگیری نام و آدرس و شماره تلفن و اسامی اطرافیان .

۲- آموزش رنگها، اندازه ها، اشکال، مکانهایی نظیر بالا و پایین و اطراف .

۳- آموزش شمارش اعداد و آموزش مهارت های استفاده از کاغذ و قلم، نوشتن اعداد ساده، و شناختن

حروف و صداها و بخشهای کلمات (این هدفها اساساً مربوط به سن شش سالگی است) .

۴- آموزش مهارت های حرکتی ظرفیت و استفاده از عضلات کوچک .

۵- تسهیل آمادگی هایی که موفقیت در مدرسه نظیر فراخنای توجه انتظار کشیدن تا پایان انجام یک کار،

آرام و قرار گرفتن روی صندلی و کنترل احساسات را امکان پذیر می کند .

بررسی نگرش والدین ، مربیان و دانشجویان در مورد ضرورت آموزش پیش از دبستان

اکنون آموزش و پرورش در دوران کودکی دارای هویت و دستخوش تحول شده است و در مجامع

علمی و بین المللی از وجه و منزلت برخوردار شده است و به وسیله انجمن های بین المللی و ملی به

عنوان حوزه ورشته ای جدا و مشخص و گاه قابل تفکیک از آموزش و پرورش ابتدایی شناخته شده

عنوان "خدماتی که برای کودکان از هنگام تولد تا سن هشت و گاه نه سالگی در برنامه های نیمه وقت و تمام وقت در مراکز تربیتی، مؤسسات، کودکانستان ها و مدارس مقدماتی و غیره اختصاص دارد"، تعریف شده است (N, A.E Y.C 1982).

بر اساس آمارهای بین المللی از سال ۱۹۹۱ در بعضی کشورها تقریباً همه کودکان قبل از ورود به مدارس ابتدایی، در این مراکز تربیتی حضور می یابند. حضور ۷۲٪ از پنج ساله ها در کودکانستان ها و ۴۶٪ از چهارساله ها همراه با متجاوز از ۲۷٪ از سه ساله ها در مهدهای کودکان، نمونه بارز نگرش ارزشمند نسبت به این دوره در سرنوشت تربیتی کودکان این جوامع است. در کشور ژاپن، کودکان قبل از ورود به مدارس ابتدایی، در کلاس های آمادگی و یا کودکانستان ها حضور می یابند و در حال حاضر ۹۰٪ کودکان ۵ ساله در این گونه مراکز تربیتی که ۶۰٪ آن توسط بخش خصوصی اداره می شود، از ثمرات کوتاه و دراز مدت و پردوام آموزش های این دوره بهره مند هستند (آقازاده، ۱۳۷۳).

همچنین بر اساس آمار در نوزده کشور آمریکای لاتین، سهم کودکان سه تا پنج ساله ثبت نام شده در برنامه های پیش دبستانی از سال ۱۹۸۰ میلادی تا سال ۱۹۸۹ از ۱۸٪ به ۲۴٪ افزایش یافته است که به طور دقیق این رقم گسترش ۸۳٪ را نشان می دهد. بر اساس ساله بلژیکی، ۹۵٪ کودکان زیر شش سال دانمارکی و ۹۲٪ کودکان ۵ تا شش ساله آمریکایی در انواع مختلف مراکز پیش دبستانی شرکت دارند. تحقیقات مقایسه ای در مورد افرادی که از آموزش های پیش دبستانی برخوردار شده اند، با کودکانی که از این خدمات بهره نگرفته اند، در همه حال به سود گروه آموزش دیده بوده است. از جمله این که

تقویتی، حدود هفت برابر گروه آموزش دیده بوده است“ (کاترون و آلن، ص ۲۵۸).

یافته های پایان نامه های کارشناسی ارشد به راهنمایی نگارنده (نوروززاده، رضا ۱۳۷۳ و محمد نژاد، آتیه ۱۳۷۴) نیز، مؤید اثرات ارزنده آموزش های دوره پیش از دبستان در موفقیت های تحصیلی کلاس های سوم، چهارم و پنجم و دروس اساسی و پایه مانند فارسی، علوم و ریاضی دانش آموزان کشورمان بوده است.

بایدها و نبایدها در ساختار کلی نظام آموزش و پرورش پیش از دبستان از جهت هدف ها، روش، محتوا، نیروی انسانی و ارزشیابی مورد نظر قرار گرفته است.

بررسی بدفهمی ها درباره آموزش و پرورش پیش از دبستان و قابلیت های کودکان، چه هست و چه نیست؟ و این که، آموزش و پرورش دوره پیش از دبستان چه هست و چه نیست؟ در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱- بررسی بدفهمی های آموزش و پرورش پیش از دبستان و قابلیت های

کودکان در این دوره

چه هست	چه نیست
آموزش و پرورش کودکان در این دوره به وجود	آموزش و پرورش در این دوره الهی نیست و
مربیان و افراد آگاه و علاقه مند و پر انرژی	مربی الهی نیست و هرکس بدون شناخت کودکان
وابسته است و یکی از شاخص های مهم در ارزش	نمی تواند با آنها کار سودمند و ارزشمند انجام

<p>با تجربه و متخصص در کار با کودکان این دوره است.</p>	
<p>آموزش و پرورش در دوران اولیه کودکی، بیشتر "کودک-محور" است که از رویکرد بازی و فعالیت پیروی می کند.</p>	<p>آموزش و پرورش در دوران اولیه کودکی، برنامه ای "معلم-محور" که از رویکرد کلاس های رسمی پیروی می کند، نیست.</p>
<p>آموزش و پرورش در این دوره بر رشد کلی و همه جانبه کودک متمرکز است.</p>	<p>آموزش و پرورش در دوران کودکی، برنامه ای نیست که لزوماً بر پیشرفت تحصیلی و رشد شناختی متمرکز باشد.</p>
<p>آموزش و پرورش در دوران اولیه کودکی برنامه ای است که محیط باز، برانگیزاننده و محرکی را برای رشد ذهنی، گفتاری، اجتماعی و جسمی کودکان تدارک می بیند.</p>	<p>آموزش و پرورش در این دوره، یک برنامه "موضوع-محور" برای تدریس خواندن، نوشتن و حساب کردن نیست.</p>
<p>آموزش و پرورش در دوران اولیه کودکی، برنامه ای است که تعامل با محیط، مشارکت فعال در فعالیت های گروهی و توانایی حل مسائل خلاق را در کودکان تقویت می کند.</p>	<p>آموزش و پرورش در دوران اولیه کودکی برنامه ای نیست که گوش دادن و یادگیری غیر فعال را از طریق تکرار شفاهی در کودکان مورد تأیید قرار دهد.</p>

<p>نوشتن و حساب کردن به وجود می آورد و بطور غیر رسمی مفاهیم پایه را در ذهن کودکان شکل می دهد.</p>	<p>ی نیست که خواندن، نوشتن و حساب کردن را به طور رسمی آموزش دهد و با برنامه های دبستان نیز، تداخل ندارد.</p>
<p>برنامه ای است که کودکان را برای دوران ابتدایی و مقدماتی آماده می کند و برای موفقیت های مدرسه ای حیاتی است.</p>	<p>آموزش و پرورش در دوران اولیه کودکی، برنامه ای نازل تر و از نظر عملکرد پایین تر از آموزش های دوره ابتدایی و مدرسه ای نیست.</p>
<p>برنامه ای است که بر طراحی، زمانبندی و نظم تکیه دارد ولی در عین حال نسبت به نیازهای کودکان، انعطاف پذیر است.</p>	<p>آموزش و پرورش در دوران اولیه کودکی، برنامه ای سخت و غیر قابل انعطاف نیست که بر زمان بندی درسی و دوره های ثابت یادگیری تکیه کند.</p>

برنامه ریزی درسی در مراکز آموزش و پرورش پیش دبستانی

هدف کلی:

مدیر مرکز پیش دبستانی با برنامه ریزی سالانه و هفتگی در مؤسسات مذکور آشنا می گردد.

آموزش قبل از دبستان نیاز به برنامه می باشد که مدیران موسسات مذکور در دوحیطه دراز مدت و کوتاه مدت این کار برنامه ریزی را انجام می دهد.

الف) برنامه ریزی دراز مدت: ممکن است در مهد کودک هدفهای دراز مدت در نظر گرفت که مجموع هدفها بتواند راهنمای فعالیت های آموزشی پرورشی باشد و مربیان در پایان برنامه درازمدت بتوانند موفقیت های برنامه را ارزیابی کنند این مدت ممکن است تا ۵ سال نیز برسد ولی کمتر اتفاق می افتد که کودکی در این مدت طولانی در مهد کودک توقف داشته باشد تا بتوان کل برنامه را درباره او اجرا کرد و نتیجه را بررسی نمود بنابراین ترجیحاً برنامه های درازمدت تا یک سال قابل قبول می باشد.

ب) برنامه ریزی کوتاه مدت: در نظام آموزشی کشور ما مدیران مدارس وظیفه دارند برنامه آموزشی را برای مدت یک هفته تهیه و تنظیم کنند و این برنامه بر اساس ساعات کار هفتگی مدارس خواهد بود که از طرف وزارت آموزش و پرورش ابلاغ شده است. در تنظیم برنامه هفتگی که معمولاً به صورت تکراری در یکسال تحصیلی اجرا می گردد. مدیران سعی دارند با همکاری مربیان و معلمان برنامه را طوری تهیه و تنظیم کنند که تمام موارد درسی در آن رعایت شود.

فعالیت های آموزشی در مراکز پیش دبستانی

در مهد کودک ها اوقات روز برای انجام فعالیت های مختلف تقسیم شده اند فعالیت ها در یک زمان شروع و در پایان زمان تعیین شده خاتمه پیدا نمی کنند و مربی باید برنامه خود را برای گروهی از

دهد با در اختیار داشتن فضای لازم و مواد ابزار خاص فعالیت های پیش بینی شده را یکی پس از دیگری انجام دهند. البته ممکن است این برنامه ریزی ها با کمک مدیر مؤسسه آموزشی به نحو مطلوب طراحی و اجرا گردد اما مریبان همیشه علاقه دارند نتیجه کار را بررسی کنند و مطمئن باشد فعالیت های کودکان ثمربخش بوده است لذا امکان ارزیابی از برنامه ها و گاهی تحویل برنامه ها در کلاس آموزش قبل از دبستان ضرورت پیدا می کند.

برنامه روزانه یک مهدکودک:

۱- ورود کودکان به مهدکودک که معمولاً نیم ساعت طول می کشد اولین مرحله از کار مهدکودکان می باشد و زمان آن اغلب بستگی به ساعت کار مادران دارد که قبل از آن کودک خود را به مهدکودک تحویل می دهند و اغلب مهدکودک ها کلیه مریبان حاضر هستند و هر مربی کودک مربوط به کلاس خود را تحویل می گیرد و در فرصت کوتاهی که پیش می آید با مادر یا پدر کودک که همراه او می باشد به گفتگو می پردازد و بهترین فرصتی است که بین مربی و اولیا کودکان تبادل اطلاعات صورت می گیرد و اطلاعات را کتباً به اولیا دهند.

۲- وقتی همه کودکان در مهدکودک جمع شدند برنامه های مربوط به نظافت و بهداشت و مراقبت های شخصی و صرف صبحانه آغاز می گردد اغلب در این فعالیت ها مریبان و مسئولان مهدکودک مشترکاً فعالیت ها دارند و البته در برخی از مؤسسات آموزشی قبل از دبستان از این فرصت ها استفاده کرد و به کودکان آداب غذا خوردن رعایت بهداشت و نظایر آنها را به تدریج یاد می دهند.

تدارک می بینیم و با توجه به مدتی که کودکان را نگهداری می کنند ساعات روز را بین فعالیت هایی مختلف کودکان تقسیم بندی را می کنند در هر ساعت از روز فعالیت هایی را پیش بینی می کنند که به وسیله مربیان به مورد اجرا گذاشته می شود. معمولاً در مهد کودک سه نوع ساعت کار می توان مشاهده کرد ولی کمیت آنها بستگی به اداره کنندگان مهد دارد و به طور یکنواخت یا متد مدارس طول روز به ساعات مشخص تقسیم نشده است.

بررسی نقش و تأثیر مهدکودک ها بر روی کودکان

مامان، من کی می (م) مهد؟

شاید همیشه نگران رفتن کودکان به مهدکودک بوده اید و اینکه روز اول چگونه او را که به شدت به شما وابسته است، از خودتان جدا کنید، شما را به فکر واداشته است. گرچه این جدایی موقت و بسیار عذاب آوراست اما باید پذیرید که اوبه مهد کودک سپرده شود. شروع اولین روز رفتن کودکان به مهد بسیار دردسر و مشکل آفرین است. اوتاکنون فقط به شما لحظات خود را سپری کرده است اما اینکه باید با جماعتی دیگر به سربررد و با آنها همساز و هماهنگ شود. اوباید یادبگیرد چگونه دوستان جدیدی پیدا کند، ضمن اینکه مقرراتی تازه و غیراز محیط منزل رافرا بگیرد. اما آنچه باید برآن تأکید کرد ضرورت جداشدن او از شماست. چراکه روزی به هر حال مجبوراست پا به خانه دومش مدرسه بگذارد.

های دستجمعی لذت می برند و آموزش آنان در سالهای پیش از دبستان برای اجتماعی شدن بسیار ضروری است.

با توجه به اینکه مهد کودک ها در جامعه ما به دلیل نیاز مادران شاغل به مراکزی برای نگهداری از فرزندان شان شکل گرفت و فلسفه وجودی تأسیس و راه اندازی مهد کودک ها را رفع نیاز مادران آنهاست، به طبع ابعاد آموزشی و تربیتی این مراکز کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

شکی نیست که گروه های بازی و مهد کودک ها در رشد و توانایی ها و مهارت های بازی کردن کودک که احتمال دارد در خانه امکان پذیر نباشد مؤثر هستند زیرا هر قدر هم که در خانه کودک به بازی تشویق شود باز او می داند که در خانه خودش است و دانستن همین موضوع در بازی هایش تأثیر می گذارد.

امروزه انتخاب مهد کودک مناسب از جمله دغدغه های خانواده هاست. مرکزی که از هر نظر شرایط مساعدی داشته باشد و کودک را در ورود به عرصه زندگی اجتماعی یاری دهد. دانستن ویژگی های سنی و روحی روانی کودکان نیز برای تنظیم برنامه های آموزشی و تربیتی بسیار مهم است. گرچه امروزه مهد کودک هایی هم هست که به دلیل عدم مدیریت صحیح و به کار گماردن مربیان غیر متخصص از چنین کار آیی برخوردار نیستند.

خانم بدیعی خانه دار درباره دلایل فرستادن پسر سه ساله اش به مهد می گوید: من عقیده دارم در مهد کودک مفاهیم و آموزش ها را مطلوب تر و بهتر به بچه ها منتقل می کنند، کاری که خود من از عهده آن بر نمی آیم، چرا که روان شناسی کودک را به شکل علمی و اصولی نمی دانم.

ارتباط با بچه های دیگر را یاد بگیرد. الان که او در خانه است اصلاً نمی تواند با بچه های دیگر ارتباط برقرار کند و حتی روش بازی کردن با کودکان دیگر را نمی داند. برخی پدر و مادرها هم رفتن به مهد کودک را در واقع گریز از زندگی آپارتمان نشینی و در یک محیط بسته زندگی کردن می دانند. آنها بر این باورند زندگی در آپارتمان های کوچک به روح و جسم کودکان آسیب می رساند. در این میان واکنش کودکان در زمینه رفتن به مهد متفاوت است. زهرا کشاورزی می گوید: با اینکه شاغل نیستم و مشکلی برای نگهداری پسرم ندارم، ولی او خیلی علاقه مند است به مهد کودک برود، حتی شب ها خواب می بیند به مهد رفته و صبح وقتی بیدار می شود می گوید چرا مرا بیدار نکردید تا به مهد بروم. اما با توجه به بالا بودن هزینه مهدها امکان این که او را به مهد بفرستیم برایمان وجود ندارد.

مدیر یک مهد کودک دولتی می گوید: به اعتقاد من در کار آموزش و تربیت کودکان تنها یک عامل حرف اول را می زند و آن هم علاقه و عشق به این کار است و اگر این ویژگی وجود نداشته باشد نمی توان به ادامه کار فکر کرد.

مدیر مهد کودک دیگری درباره ویژگی یک مهد مناسب می گوید: اینکه خانواده ها فقط ظواهر را ببینند و فکر کنند اگر در مهدی مثلاً اسباب بازی های متنوع وجود داشته باشد حتماً آن مهد خوب است برداشت درستی نیست. البته هرچه امکانات بیشتر باشد بهتر است، اما ویژگی مهم یک مهد خوب وجود مربیان کارآزموده و برخورد صحیح با بچه هاست. چرا که اگر این عامل مهم نباشد کودک از مهد گریزان می شود و حتی ممکن است در رفتن به دبستان هم برای او مشکلاتی به وجود آورد.

بگیرند اما نقش خانواده ها در این گونه موارد بسیار مهم است.
اگر آنها با مربیان و مسئولان مهد همکاری کنند، این مسأله براحتی برطرف می شود. اما اگر این همکاری وجود نداشته باشد و ما در مهد حرفی بزنیم و در خانه طوری دیگر برخورد شود کودک دو شخصیتی می شود.

یک مربی مهد کودک نیز با اشاره به تخصصی بودن این حرفه می گوید امروزه اکثر مهدکودکها کسانی را که دیپلم کودکیاری دارند استخدام می کنند و در بین این افراد کسانی هم هستند که حتی علاقه ای به این شغل ندارند و بنا به دلایلی به این رشته روی آورده اند.

فریده راستی معتقد است گذراندن دوره های تربیت مربی بسیار موثر است و یک مربی خوب برای استخدام در مهد باید چند سال کارآموزی کرده باشد و و مدتی هم به طور آزمایشی کار کند و برخوردش با کودکان ارزیابی شود.

وی نگرانی خود را از اینکه امروزه در جامعه ما نظارتی بر اعطای مجوز تأسیس مهدکودک ها وجود ندارد ابراز می دارد و می افزاید: در گذشته برای گرفتن مجوز تدریس مهد حتماً باید متقاضی دارای مدرک لیسانس و حداقل ۷ سال سابقه کار می بود، ولی اکنون این گونه نیست و تنها با داشتن چند سال سابقه مربیگری بدون هیچ آموزش کلاسیک افراد می توانند مجوز تأسیس مهد بگیرند.

وی می گوید: از همه بدتر اینکه براساس تصویب سازمان بهزیستی دیپلمه های کودکیاری بدون داشتن سابقه مربیگری می توانند مهد کودک تأسیس کنند و به اعتقاد من رشد قارچ گونه مهدکودک ها با نگرش سود مادی و بدون ضابطه مشخص بسیار خطرناک است.

کودک می گوید: بالا رفتن اعتماد به نفس، اجتماعی شدن، آماده شدن برای مدرسه، جدا شدن فرزند از مادر، مستقل شدن و روی پای خود ایستادن از جمله فواید مهد کودک است.

دکتر وفایی می افزاید: گرچه ممکن است کودک در مهد حرکت ناشایستی از همسالانش یاد بگیرد، پدر و مادر برای مقابله با آن حرکت ناشایست می توانند همگام با مربیان و مسوولان مهد کودک این حرکت نامناسب را در وجود کودک از بین ببرند.

وی در مورد ویژگی های یک مهد کودک خوب معتقد است وجود مربیانی که به شغلشان علاقه مند باشند و بچه های مردم را مانند بچه های خودشان بدانند از اهمیت بسیاری برخوردار است. همچنین وجود امکانات تفریحی، آموزشی در خور سن کودک، وضعیت بهداشتی مناسب، کنترل واکسیناسیون و تغذیه کودک از مهمترین ویژگی های یک مهد کودک خوب است.

دکتر وفایی می گوید: به اعتقاد من همه بچه های بالای سه سال، چه مادر شاغل داشته باش یا خانه دار بهتر است به مهد بروند و این مسأله در رشد جسمی و روحی کودک بسیار مؤثر است.

با تأیید بر آنچه گفته شد باید افزود: واقعیت های بسیاری در مورد مهد کودک ها وجود دارد. آلودگی محیط، تغذیه نامناسب، برخورد نامناسب و غیر کارشناسانه مربیان و... از جمله این واقعیت های انکار ناپذیر است. اما این بدان معنا نیست که کودک را از رفتن به مهد کودک محروم کنیم. همچنین باید گفت بسیاری مهد کودک های مناسب و جذاب برای بچه ها وجود دارد که کودک ما را برای حضور مؤثر و فعال در جامعه آماده می کند.

مہتاب دسترنج

منابع

- ۱- آموزش و پرورش در کودکان (محمد حسین نظری نژاد).
- ۲- مدیریت مراکز پیش دبستانی (دکتر داریوش نوروزی ، دکتر کریم عزت خواه).
- ۳- روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی (دکتر غلامعلی افروز).
- ۴- روش فعال در کودکان (صغری سره).
- ۵- مدیریت در آموزش و پرورش (فصلنامه).
- ۶- هفت گفتار درباره آموزش قبل از دبستان.
- ۷- سی دی نمایه (بررسی نگرش والدین و مربیان در مورد ضرورت آموزش پیش دبستانی).
- ۸- سی دی نمایه (بررسی نقش و تأثیر مهد کودک ها بر روی کودکان).